

صلاحیت جهانی در جرایم جنگی از منظر حقوق ایران

سعید حکیمی‌ها^۱
سید یاسر ضیایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۹/۲۷

فصلنامه آفاق امنیت / سال پنجم / شماره بیست و یکم - زمستان ۱۳۹۲

چکیده

جرایم جنگی جزء آن دسته از جرایم بین‌المللی است که اعمال صلاحیت جهانی نسبت به آنها از سوی جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است. پذیرش صلاحیت جهانی در جرایم جنگی به مراجع قضایی کشور اجازه می‌دهد قوانین کیفری ایران را درباره جرایم ارتكابی بیگانگان در خارج از قلمرو حاکمیت ایران، بدون آنکه مغایرت با منافع ملی موجبی برای این صلاحیت داشته باشد، اعمال کنند. امروز جمهوری اسلامی ایران از منظر نظام بین‌المللی، بازیگری مهم در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی شناخته می‌شود. راهبرد کلان جمهوری اسلامی در حمایت بی‌دریغ از مظلومان و مستضعفان جهان از جمله مردم سرزمین‌های اشغالی فلسطین می‌تواند ضرورت استفاده از ظرفیت‌های مغفول قواعد حقوقی به منظور پیش‌بینی ابزارهای تحقق این راهبرد را آشکار کند. به همین علت شناخت مبانی مشروعیت صلاحیت جهانی و بررسی جایگاه آن در جمهوری اسلامی ایران و رویکرد حقوقی ایران به جرایم جنگی از اهمیت زیادی برخوردار است. این امر ضرورت پذیرش صلاحیت جهانی محاکم داخلی ایران در رسیدگی به جرایم جنگی را برای قانون‌گذار نمایان می‌سازد تا نسبت به رفع خلأهای قانونی در این خصوص اقدام کند.

واژگان کلیدی

جرایم جنگی، صلاحیت جهانی، محاکم ملی، حقوق بین‌الملل، فقه اسلامی



مقدمه

صلاحیت جهانی، اعمال صلاحیت از سوی دولتی است که هیچ پیوند سرزمینی یا ملی با موضوع مورد رسیدگی ندارد؛ به عبارت دیگر صلاحیت جهانی عبارت است از صلاحیت کیفری مبتنی بر «ماهیت جرم» بدون در نظر داشتن محل ارتکاب، تابعیت مجرم و مجنی علیه یا هرگونه ارتباط دیگر میان جرم و دولت اعمال کننده صلاحیت. در برخی اسناد بین‌المللی اعمال صلاحیت جهانی از سوی دولت‌های عضو جنبه تعهد دارد و همه دولت‌ها متعهد به رسیدگی هستند مانند آنچه در کنوانسیون‌های منع شکنجه و ژنو درباره جرایم جنگی وجود دارد. برای ارزیابی جایگاه صلاحیت جهانی در جرایم جنگی در نظام حقوقی ایران، ابتدا باید به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که مبانی مشروعیت اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم ایران از منظر حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی چیست؟ مسئله دیگر این است که پذیرش این صلاحیت چه چالش‌هایی برای نظام حقوقی و منافع ملی ایران ایجاد خواهد کرد؟ به عبارت دیگر دغدغه‌هایی که در راه تصویب قانون مربوط به تعقیب جنایتکاران جنگی بین‌المللی با تأکید بر تعقیب حقوقی سران و فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی به اتهام جرایم جنگی در محاکم ایران، توسط قوه مقننه وجود داشته است، چیست؟ چه راهکاری برای حفظ منافع جمهوری اسلامی ایران در این خصوص وجود دارد؟ بنابراین در سازماندهی تحقیق ابتدا تاریخچه‌ای از صلاحیت جهانی و صلاحیت جهانی در جرایم جنگی در حقوق ایران، سپس مبانی مشروعیت اعمال صلاحیت جهانی ارائه و در پایان به ارزیابی اقدامات حقوقی انجام گرفته توسط قوه مقننه در اعمال صلاحیت جهانی نسبت به جرایم جنگی پرداخته خواهد شد.

۱. نگرشی تاریخی به صلاحیت جهانی در حقوق ایران

تا قبل از تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، اصل صلاحیت جهانی وارد سیستم حقوقی ایران نشده بود (آزمایش، ۱۳۵۶: ۱۰۹). اصل صلاحیت جهانی در ایران به موجب بند «و» ماده ۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ پذیرفته شد. بر اساس این بند «در مورد جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی، مرتکب در هر کشور که به دست آید، باید محاکمه شود اگر مرتکب در ایران دستگیر شود، طبق قوانین ایران محاکمه و مجازات می‌شود».

پس از انقلاب اسلامی نیز در بند «ه» ماده ۳ قانون درباره مجازات اسلامی مصوب



۱۳۶۱ اصل صلاحیت جهانی مورد پذیرش قرار گرفت. در این بند مقرر شده بود «در مورد جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهود بین‌المللی، مرتکب در هر کشور که به دست آید محاکمه می‌شود، اگر در ایران دستگیر شد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد». در این قانون عبارت «باید» از قانون قبلی حذف شد با این اعتقاد که اولاً مقنن اعمال صلاحیت جهانی از سوی محاکم کیفری خارجی را به طور مطلق قبول ندارد (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۲۴۲)؛ ثانیاً قانون قبلی اعمال «صلاحیت جهانی اختیاری» را از شمول تعریف صلاحیت جهانی مد نظر حقوق ایران خارج می‌ساخت.

اصل صلاحیت جهانی مجدداً در سال ۱۳۷۰ بدون تغییری در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مورد پذیرش مقنن ایرانی قرار گرفت.^۱ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در فصل «قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان» یک ماده به صلاحیت جهانی اختصاص یافته است که تفاوت‌هایی با همتای خود در قانون مجازات اسلامی سابق دارد. به موجب ماده ۹ این قانون: «مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران، محاکمه و مجازات می‌گردد». در قانون جدید عبارت «اگر در ایران دستگیر شد» به «اگر در ایران یافت شد» تغییر کرد. بر این اساس قانون‌گذار قلمرو اعمال صلاحیت جهانی از سوی محاکم ملی ایران را توسعه داده است. همچنین عبارت «عهود بین‌المللی» در قانون ۱۳۷۰ به عبارت «عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی» تغییر یافته است. به نظر می‌رسد نظر قانون‌گذار شمول این عبارت بر حقوق بین‌الملل عرفی در کنار حقوق بین‌الملل قراردادی باشد، زیرا عبارت عهود بین‌المللی افاده حقوق بین‌الملل عرفی را نمی‌کرد. علاوه بر قاعده مذکور، عبارت‌پردازی برخی قوانین بیانگر اعمال صلاحیت جهانی در خصوص دسته دیگری از جرایم است. برای مثال هرچند ایران به کنوانسیون بین‌المللی تهیه و ترویج سکه تقلبی و جعل اسکناس خارجی مورخ ۱۹۲۹ ملحق نشده است، اما مجموعه مواد قانون مجازات اسلامی تعزیرات درباره جعل سکه و اسکناس حکایت از اعمال صلاحیت جهانی بر آن دارد. مواد ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۵ و ۵۲۶ این قانون به جرم مذکور اختصاص یافته است. برای مثال ماده ۵۲۵ بیان می‌دارد:

۱. ماده ۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰: «در مورد جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهود بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید محاکمه می‌شود اگر در ایران دستگیر شد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد».

«هرکس یکی از اشیای ذیل را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال کند یا داخل کشور نماید... محکوم خواهد شد». اولاً قلب، تخدیش و ترویج سکه خارجی و نیز جعل اسکناس رایج خارجی و استفاده از آن ممکن است در خارج از کشور و توسط بیگانه ارتکاب یابد؛ ثانیاً علاوه بر اطلاق مواد قانونی مذکور (هر کس) و سابقه موضوع در حقوق بین‌الملل بدیهی است که فرض قانون‌گذار درباره «داخل کردن...» مبتنی بر این تفکر است که این اشیا در خارج از کشور تهیه و به داخل ایران آورده شده است (حجت‌زاده و درجی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). همچنین طرح ناموفق^۱ «نحوه رسیدگی به شکایات نسل‌کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی» مصوب ۱۳۸۱ و قانون «الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین» مصوب ۱۳۸۷ از جمله قوانین خاصی هستند که مبتنی بر صلاحیت جهانی و با هدف تعقیب سران رژیم صهیونیستی به اتهام جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و نسل‌کشی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیدند.

همچنین جمهوری اسلامی ایران عضو معاهدات متعددی است که متضمن صلاحیت جهانی هستند. کنوانسیون دریای آزاد مورخ ۱۹۵۸، کنوانسیون حقوق دریاها مورخ ۱۹۸۲، کنوانسیون امنیت هوانوردی (مونترال) مورخ ۱۹۷۱، کنوانسیون نیویورک ۱۹۶۱، کنوانسیون مواد روان‌گردان مورخ ۱۹۷۱، کنوانسیون قاچاق غیرقانونی مواد مخدر یا داروهای روان‌گردان مورخ ۱۹۸۸، کنوانسیون حذف و مجازات جرم تبعیض نژادی مورخ ۱۹۷۳، جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی مورخ ۱۹۷۳، کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری مورخ ۱۹۷۹، کنوانسیون‌های تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات مشابه بردگی مورخ ۱۹۵۶، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مورخ ۱۹۴۹ از جمله این معاهدات هستند. همچنین جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۲ روز قبل از انقضای مهلت برای امضای اساسنامه رم، آن را به امضا رساند؛ اما هنوز مسئله الحاق به آن در دست مطالعه و تحقیق است (جدلی، ۱۳۸۵: ۸۱۳). طبق این معاهدات، امکان اعمال صلاحیت جهانی در خصوص جرایمی مانند تبعیض نژادی، قاچاق مواد مخدر، گروگان‌گیری، برده‌فروشی، دزدی دریایی، اعمال تروریستی در هواپیما و علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی در محاکم ملی ایران وجود خواهد داشت.

انعقاد معاهدات معاضدت قضایی کیفری و مدنی نیز می‌تواند در راستای اعمال صلاحیت جهانی ارزیابی شود؛ زیرا برخی شروط اعمال صلاحیت جهانی از قبیل «مسترد بدار»

۱. در ادامه به دلایل ناکامی این طرح پرداخته خواهد شد.



یا «محاكمه كن» یا منع مجازات مضاعف در این معاهدات قید شده است. جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عراق، بلاروس، تاجیکستان، هند، افغانستان، ترکیه، امارات عربی متحده، قطر، آفریقای جنوبی، اوکراین، قرقیزستان، ارمنستان، کویت، الجزایر، سوریه، ازبکستان، روسیه، پاکستان، فرانسه و آذربایجان موافقتنامه استرداد تصویب کرده است. همچنین با بسیاری از کشورها موافقتنامه انتقال محکومین به حبس و موافقتنامه معاضدت قضایی کیفری امضا و تصویب شده است. نکته درخور تأمل این است که تاکنون هیچ قضیه‌ای در محاکم ملی کشورمان به استناد صلاحیت جهانی مورد رسیدگی قرار نگرفته است و در عموم موارد، موضوع از طریق استرداد مجرم فیصله داده شده است (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۲۴۲). علت این امر ناشی از دو دسته از موانع است: یک دسته از موانع در خود قوانین و به علت کامل نبودن فرایند جرم‌انگاری است. دسته دیگر از موانع، فراقانونی است و مربوط به عدم استقبال از اعمال صلاحیت مذکور نزد محاکم ملی است.

۲. نگرشی تاریخی به جایگاه ایران در صلاحیت جهانی در جرایم جنگی

اعمال صلاحیت جهانی در جرایم بین‌المللی از جمله جرایم جنگی هم از سوی محاکم خارجی علیه مسئولان ایرانی و هم از سوی محاکم ایران علیه مسئولان خارجی پیشینه‌ای تاریخی دارد. بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شاهد طرح مسئولیت بین‌المللی کیفری مسئولان ایرانی در کنار طرح مسئولیت بین‌المللی غیرکیفری دولت ایران از سوی برخی کشورها بوده‌ایم. در هر صورت تاکنون صلاحیت جهانی علیه مسئولان دولتی به استناد جرایم جنگی اعمال نشده است. از سوی دیگر محاکم ملی ایران تاکنون صلاحیت جهانی خود را در خصوص هیچ‌یک از جرایم بین‌المللی اعمال نکرده‌اند. با رسیدگی به جنایات صدام در دادگاه عراق در سال ۲۰۰۳، جمهوری اسلامی ایران نیز شکوائیه خود را در خصوص جنایات جنگی صدام در جنگ ایران و عراق به دادگاه تسلیم کرد. رسیدگی این دادگاه مبتنی بر صلاحیت جهانی نبود و در هر صورت دادگاه شکوائیه ایران علیه صدام را مطرح نکرد.^۱

همان‌طور که بیان شد، با تصویب ماده ۳ قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۵۲، امکان اعمال صلاحیت جهانی در جرایم جنگی در محاکم ملی ایران فراهم شد که بعداً در قوانین مصوب سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ تا حدودی اصلاح شد. باید توجه کرد که «برخی عناوین مجرمانه در قانون مجازات اسلامی در زمان جنگ می‌تواند جنایت

1 . <http://www.daneshju.ir/forum/sitemap/t-107542.html>

جنگی تلقی شود، گرچه در شرایط عادی نیز جرم محسوب می‌شود و وقوع آن «بر ضد اشخاص یا دارایی‌های تحت حمایت کنوانسیون ژنو» یا خارج از حالت منازعه تفاوتی با وقوع آن ضد سایر اشخاص یا دارایی‌ها یا در زمان صلح ندارد و باید گفت جرم عمومی تلقی می‌شود، نه جنگی. اما پیداست که بسیاری از این عناوین مانند آزمایش‌های زیست‌شناختی، اجبار اسیر به خدمت برای دشمن، حمله به اهداف غیرنظامی، کشتن یا زخمی کردن نظامی تسلیم‌شده، حمله یا بمباران شهرهای بی‌دفاع، لطمه زدن به محیط زیست، به‌کارگرفتن کودکان زیر ۱۵ سال، غارت شهرها، اعلام رحم نکردن به هیچ‌کس، حاملگی یا عقیم کردن اجباری و... در حقوق داخلی ایران جایگاهی ندارد» (سلیتی، ۱۳۸۹). بدیهی است صرف پذیرش صلاحیت جهانی بدون جرم‌انگاری این عناوین، محاکم را در رسیدگی با مشکل مواجه می‌سازد.

علاوه بر قانون مجازات اسلامی، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ نیز مصادیقی از جرایم جنگی را نام برده است. «آنچه در این دو قانون مشاهده می‌شود یک نگاه امنیتی درونی است؛ یعنی هدف از این قوانین حفظ قدرت و انسجام طرف ایرانی است و جرایم مشخص‌شده در قانون جرایمی هستند که اصولاً علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ارتکاب می‌یابند و قصد مرتکب، تضعیف نیروهای نظامی ایران است. از این رو، این اعمال مجرمانه اصولاً در تعریف جنایت جنگی جایگاهی ندارند و بیشتر جرایم داخلی علیه حاکمیت یا امنیت و آسایش عمومی شناخته می‌شوند. تنها در ماده ۳۵ که ادامه جنگ پس از دستور توقف را جرم شناخته است، نوعی مصلحت بین‌المللی و حمایت از غیرنظامیان نیز مشاهده می‌شود، زیرا دستور توقف جنگ در این شرایط ممکن است مبتنی بر توافق طرفین باشد و ادامه نبرد، غافلگیری محسوب شود. با وجود این تحقق این جرم نیز منوط به آن است که «موجب اخلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) یا شکست جبهه اسلام گردد». بنابراین باز هم رویکرد اصلی، رویکرد حمایت از حاکمیت ملی ایران است (سلیتی، ۱۳۸۹). در حالی که در مفهوم صلاحیت جهانی بیان شد، ملاک پذیرش و اعمال این صلاحیت برای محاکم ملی، نقض حاکمیت و منافع اساسی کشور نیست.

یکی از فرصت‌های مغتنم برای جمهوری اسلامی ایران در زمینه اعمال صحیح صلاحیت جهانی طرح ناموفق تعقیب سران رژیم صهیونیستی در محاکم ملی به استناد جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و نسل‌کشی بود. طرح «نحوه رسیدگی به شکایات نسل‌کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی» در سال ۱۳۸۰ در دستور کار مجلس قرار گرفت که شامل اعمال صلاحیت جهانی در جنایات نسل‌کشی،



جنایات ضد بشریت و جنایات جنگی می‌شد. این طرح هرچند با حذف موادی که مربوط به جنایات جنگی بود، در مجلس شورای اسلامی تصویب شد،^۱ اما نتوانست فرایند لازم‌الاجرا شدن خود را به دلیل ایرادهای شورای نگهبان کامل کند.^۲

اقدام مهم دیگر ایران درباره صلاحیت جهانی در سال‌های اخیر تصویب یک قانون در خصوص جنایات بین‌المللی رژیم اشغالگر قدس است. پیرو جنایات رژیم غاصب اسرائیل در ناحیه غزه، مجلس شورای اسلامی ایران قانون «الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین» را در ۱۳۸۷/۱۰/۱۱ به تصویب رساند. مطابق ماده ۳ این قانون «براساس قواعد حقوق بین‌الملل، جنایات انجام‌شده در غزه، از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی است. دولت موظف است از طریق مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، موضوع محاکمه سران رژیم اشغالگر قدس را در دادگاه دیوان کیفری بین‌المللی و محاکم داخلی کشور به عنوان جنایتکار علیه بشریت و عاملان نسل‌کشی پیگیری نماید». طبق ماده ۶ این قانون «وزارت امور خارجه مکلف است گزارش اجرای این قانون را هر دو هفته یک بار به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید».

همچنین جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را در ۱۳۴۴/۹/۳ تصویب کرد، اما هنوز به دو پروتکل الحاقی نپیوسته است (حجت‌زاده و درجی، ۱۳۹۱). با وجود این، جمهوری اسلامی ایران مفاد این معاهدات را وارد قوانین موضوعه خود نکرده است و به همین دلیل در عمل، قضات ایرانی تمایل چندانی در استناد به این کنوانسیون‌ها از خود نشان نداده‌اند (جدلی، ۱۳۸۵: ۸۱۶). هرچند کنوانسیون‌های بین‌المللی کمتر با اقبال کشورهای اسلامی مواجه شده‌اند، در این میان کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی از حمایت بیشتری میان کشورهای اسلامی برخوردارند؛ با این حال قوانین لازم برای اجرایی شدن این کنوانسیون‌ها به تصویب نرسیده است. یمن از معدود کشورهای اسلامی است که قانونی را درباره جرایم و مجازات‌های نظامی به تصویب رسانده است و به صراحت جرایم جنگی (علیه اشخاص و اموال در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و داخلی) را در کشورش قابل مجازات می‌شناسد (جدلی، ۱۳۸۵: ۸۱۸).^۳

هرچند کنوانسیون‌های ژنو قبل از انقلاب به تصویب مجلس شورای ملی رسیده

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۷۵، صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۲۴، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۱.

۲. توضیحات بیشتر درباره این طرح در ادامه مقاله ارائه شده است.

۳. اتیوپی نیز مقررات کنوانسیون‌های ژنو را قبل از تصویب آنها وارد قوانین موضوعه خود کرده بود. قوانین اتیوپی حتی آماده‌سازی زمینه (تسبیب) برای ارتکاب این جرایم را درخور مجازات دانسته است.

است، طبق ماده ۹ قانون مدنی، این قانون هنوز لازم‌الاجراست. ضمن اینکه برخی معتقدند جرایم بین‌المللی نظیر نسل‌کشی و جرایم جنگی از تعهدات عام‌الشمول محسوب می‌شوند که با جانمایی و تغییر حکومت‌ها از بین نمی‌روند (جلالی، ۱۳۸۲، به نقل از اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۱). یعنی به‌رغم تغییر بنیادین نظام سیاسی حاکم در کشور ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تعهد ما در قبال معاهده‌ای که از مجاری قانونی به تصویب رسیده به قوت خود باقی است. پس از تصویب معاهده مذکور نیز قانونی برخلاف آن به تصویب نرسیده است. بنابراین می‌توان گفت قانون اجازه الحاق دولت ایران به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در حال حاضر قانونی عادی، معتبر و لازم‌الاجراست (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۱). این استدلال عملاً در بسیاری موارد قانونی دیگر نیز پذیرفته شده و ساری و جاری است و خدشه‌ای به اعتبار قوانینی که قبل از انقلاب به تصویب قانون‌گذار وقت رسیده و نقض نشده است، وارد نمی‌کند.

۳. مشروعیت اعمال صلاحیت جهانی در جرایم جنگی در حقوق ایران

اصولاً اعمال صلاحیت جهانی از سوی دولت‌های قوی‌تر علیه دولت‌های ضعیف‌تر بوده است (Rabinovitch, 2004: 523) و به همین دلیل کشوری مانند ایران بیش از اینکه به فرصت‌های استفاده از این صلاحیت بیندیشد، به تهدیدهای صلاحیت جهانی از جانب محاکم خارجی می‌اندیشد. برای مثال می‌توان به اعمال صلاحیت جهانی دادگاه بلژیک علیه گوباگو در ساحل عاج، صدام حسین در عراق، ساسو نگوسو در کنگو، آریل شارون در اسرائیل و پائول بیا در کامرون اشاره کرد. برخی اعمال صلاحیت جهانی از سوی دولت‌های قوی را «امپریالیسم قضایی» توصیف کرده‌اند (شریعت باقری، ۱۳۸۲: ۱۰۰). البته حقوق بین‌الملل شاهد اعمال صلاحیت جهانی علیه دولت‌های توسعه‌یافته بوده است. برای مثال می‌توان به اعمال صلاحیت جهانی دادگاه بلژیک علیه جرج دبلیو. بوش در آمریکا، ریچارد چری در آمریکا، کولین پاول در آمریکا، ژنرال نورمن شوارزکوپ در آمریکا به اتهام جرایم جنگی در جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ اشاره کرد؛ با این حال مورد جدی اعمال صلاحیت از سوی دولت‌های در حال توسعه علیه دولت‌های توسعه‌یافته وجود نداشته است.^۱ در هر صورت اعمال صلاحیت جهانی از

۱. اگر امروزه به کارگیری صلاحیت جهانی در بیشتر محاکم اروپایی روند رشد خود را می‌پیماید، برعکس اکثر کشورهای اسلامی موضعی تردیدآمیز و در نتیجه ضعیف در به کارگیری این اصل اتخاذ کرده‌اند (جدلی، ۱۳۸۵: ۷۹۷). موارد نادری مانند قضیه محاکمه Adolfo Scilingo، کاپیتان آرژانتینی، در دادگاه اسپانیا وجود داشته است که به اتهام بمباران هوایی در حکومت نظامی ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ در آرژانتین مورد محاکمه قرار گرفت. دادگاه در این قضیه برای عنصر مادی جرم به رویه قضایی دادگاه یوگسلاوی و اساننامه دیوان بین‌المللی کیفری استناد کرد.

Anthony J. Colangelo, "The Legal Limits of Universal Jurisdiction", Virginia Journal of International Law, Vol. 47, No. 1, 2005.



سوی دولت‌های در حال توسعه علیه دولت‌های توسعه‌یافته فاقد نمونه‌ای در حقوق بین‌الملل بوده است. این فقدان رویه در اعمال صلاحیت جهانی از سوی دولت‌های در حال توسعه نباید مانع اعمال صلاحیت جهانی در مواقع مقتضی شود. در واقع «از نظر داخلی، اعمال صلاحیت کیفری نسبت به جنایات بین‌المللی ابزار مهمی در تقویت و تحکیم حاکمیت ملی به شمار می‌رود و از نظر جهانی نیز حاکی از مسئولیت‌پذیری و تشریک مساعی کشورها در پیشگیری از وقوع شنیع‌ترین جنایات بین‌المللی و پایان دادن به مصونیت مرتکبان آنها خواهد بود» (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۲).

هرچند در حقوق ایران مجموعه قوانین منسجمی برای اعمال صلاحیت جهانی علیه مجرمین جنگی وجود ندارد، امکان رسیدگی به جرایم جنگی خارجیان در خارج از ایران طبق قوانین پراکنده موجود که بیان شدند، منتفی نیست. برای رسیدگی به جرایم جنگی از سوی محاکم ایران بر اساس صلاحیت جهانی لازم است مشروعیت این صلاحیت در حقوق ایران از منظر حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی ارزیابی شود.

الف) اصول حقوق بین‌الملل

– تعهد به قانون‌گذاری

مواد مشترک متضمن نقض‌های فاحش در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بیان می‌دارند: «دول متعاهد متعهدند که قوانین لازم را برای مجازات کیفری مؤثر نقض‌های فاحش این کنوانسیون به تصویب برسانند».^۱ با این حال پاراگراف اول ماده ۹۹ کنوانسیون سوم ژنو درباره رفتار با اسرای جنگی بیان می‌دارد که یک حکم قضایی می‌تواند مبتنی بر مقررات کیفری حقوق بین‌الملل باشد. اعمال صلاحیت جهانی در جرایم جنگی از سوی ایران از یک سو از تعهدات بین‌المللی دولت ایران است، زیرا کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ایران را ملزم به اعمال صلاحیت جهانی در جرایم جنگی می‌کنند و لذا عدم قانون‌گذاری و اعمال صلاحیت از سوی دولت ایران در مواردی که این امکان برای آن فراهم است، از نظر حقوق بین‌الملل می‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت را همراه داشته باشد. درباره جرایم علیه اسرای جنگی نیز هرچند امکان استناد مستقیم به کنوانسیون وجود دارد، باید توجه کرد که کنوانسیون سوم ژنو مجازاتی را مشخص نکرده است؛ بنابراین در هر صورت برای مجازات این جرایم لازم است قانون‌گذاری لازم در حقوق داخلی صورت گیرد.

۱. اعمال صلاحیت جهانی درباره همه تخلفات مهمی که در کنوانسیون‌های ژنو آمده است، فقط از سوی حدود ۳۰ کشور پذیرفته شده است.

Richard van Elst, "Implementing Universal Jurisdiction over Grave Breaches of the Geneva Conventions", *Leiden Journal International Law*, No. 13, 2000, p. 815.

— اصل مصونیت

ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۹۲ به موضوع مصونیت سران کشورها، سران دولت‌ها و نمایندگان دیپلماتیک اشاره‌ای نکرده است؛ در حالی که حقوق بین‌الملل مصونیت این اشخاص را حتی در جرایم بین‌المللی به رسمیت شناخته است. تئوری مصونیت مطلق سران کشورها و دولت‌ها و نمایندگان آنها در قضیه یروودیا نشان داد که نمی‌توان گفت حقوق بین‌الملل برای جرایم بین‌المللی در اصل مصونیت استثنایی قائل شده است. دیوان در قضیه بازداشت بیان داشت: «برخلاف نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی، برخی مقامات بلندپایه دولتی مانند رئیس کشور، رئیس دولت و وزیر خارجه در طول دوران خدمت خود در قبال اعمال صلاحیت دولت‌های خارجی مصونیت دارند حتی اگر متهم به جرایم جنگی یا جرایم علیه بشریت باشند».^۱ منظور دیوان در این عبارت مصونیتی است که حتی شامل جرایم بین‌المللی می‌شود. دیوان تأکید می‌کند که مصونیت شخصی یکی از اصول پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل عرفی است (Baker, 2009: 165).

بر این اساس اعمال صلاحیت جهانی از سوی جمهوری اسلامی ایران در جرایم جنگی ممکن است موجب نقض اصل مصونیت سران کشورها و دولت‌ها و نمایندگان آنها شود مگر آنکه قاضی ایرانی بتواند بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، قلمروی اعمال قوانین ایران را محدود سازد که امری بعید به نظر می‌رسد.

— مرور زمان

یکی از استثنائاتی که برای مرور زمان در حقوق داخلی مطرح شده ارتکاب جرایم بین‌المللی است. برای نمونه، زمانی که اسپانیا درخواست استرداد ریکادو میگل کاوایو^۲ آرژانتینی را به اتهام ارتکاب شکنجه به مکزیک ارائه داد، وزارت امور خارجه مکزیک به‌رغم وجود قانون مرور زمان درباره جرم مد نظر اعلام کرد که طبق حقوق بین‌الملل، شکنجه شامل مرور زمان نمی‌شود. امروزه بسیاری معتقدند منع اعمال مرور زمان درباره جرایم بین‌المللی از جمله قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بوده و در نتیجه برای همه کشورها الزام‌آور است (جدلی، ۱۳۸۵: ۸۱۸).

در حقوق ایران اعمال مرور زمان در جرایم مستوجب حد، دیه و قصاص وجود

1 . ICJ Rep., Arrest Warrant of 11 April 2000, Democratic Republic of the Congo v. Belgium, 2000, para. 58.

2 . Ricardo Miguel Cavallo



ندارد و این موضوع در مواردی که جرم جنگی مجازات‌های شرعی را به دنبال داشته باشد، موافق رویه بین‌المللی است؛ اما در جایی که مجازات تعزیری باشد می‌تواند مغایر رویه بین‌المللی در ارتباط با عدم مرور زمان در جرایم جنگی باشد. شایان ذکر است که «کنوانسیون عدم اعمال مرور زمان در جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت به رغم تصویب چند کشور اسلامی مانند یمن، لیبی، کویت و تونس به تصویب جمهوری اسلامی ایران نرسیده است» (جدلی، ۱۳۸۵: ۸۱۸). ناگفته نماند پس از انقلاب اسلامی ایران نهاد مرور زمان در پی اظهار نظر شورای محترم نگهبان و پیش‌بینی نشدن مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی، در حوزه حقوق کیفری غیر از موارد بسیار محدودی مرور زمان حذف شده بود؛ اما تحول به‌وقوع پیوسته نسبت به مرور زمان، منتهی به این شده است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ تأکید بر پذیرش مرور زمان درباره جرایم تعزیری دارد و موارد استثنا را احصا کرده است. به موجب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و برخی جرایم اقتصادی و جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر از شمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات خارج شده و شایسته است این رویکرد قانون‌گذار درباره جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت نیز پذیرفته و در ماده مذکور گنجانده شود.

– مرجع صالح به رسیدگی

یکی از مسائل مهم در اعمال صلاحیت جهانی، دادگاه صالح به رسیدگی به جرایم بین‌المللی است. در حقوق ایران محاکم عمومی و اختصاصی وظیفه رسیدگی به جرایم را دارند. در خصوص جرایم جنگی این پرسش باقی است که مرجع صالح محاکم عمومی است یا محاکم نظامی؟ برخی دولت‌ها نهادهای مستقلی برای رسیدگی به جرایم جنگی نیروهای نظامی خود دارند که در آمریکا «کمیسون نظامی» نام دارد.^۱ در رسیدگی به جرایم جنگی به طور خاص و جرایم نظامی به طور عام مرسوم است که صلاحیت اولیه با نهادهای نظامی است و بعد با محاکم ملی. برای مثال در قضیه کولمن در دادگاه آمریکا بیان شد: «چنانچه کولمن بعد از ارتکاب جرم جنگی به دست نیروهای دشمن افتد، لازم است به دستور فرمانده نظامی‌اش محاکمه و مجازات شود

۱ . کمیسون نظامی آمریکا در قضیه‌ای بیان داشت: «صلاحیت محاکم نظامی به صلاحیت سرزمینی محدود نمی‌شود و یک دولت می‌تواند به جرایمی که در دولت دیگر ارتکاب یافته است، رسیدگی کند» (United States v. Gurley (1864) 7 J. A. G. Record Book 360, 365).



و در این صورت مبنای عادلانه‌ای برای شکایت از جرایم وی وجود نخواهد داشت.^۱ حقوق فرانسه نیز رسیدگی به برخی جرایم جنگی را در صلاحیت محاکم نظامی این دولت قرار داده است.^۲

باید توجه کرد که جرایم جنگی اصولاً جرایم نظامی هستند. بر اساس اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی بخشی از قوه قضاییه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند». نکته مهم اینکه محاکم نظامی برخلاف هم‌تایان خود در کشورهایمانند آمریکا و فرانسه از وابستگی به ارتش و نیروهای مسلح خارج و در نظام قوه قضاییه داخل شده است. در اجرای اصل فوق مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۴/۴/۲۲ قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح را به تصویب رساند و سازمان قضایی نیروهای مسلح به وجود آمد. طبق این قانون چنانچه پرسنل نظامی و انتظامی مرتکب جرایم خاص نظامی شوند، در صلاحیت ذاتی محاکم نظامی قرار خواهند گرفت و چنانچه مرتکب جرایم عمومی یا جرایمی در مقام ضابط دادگستری شوند، محاکم عمومی صالح به رسیدگی خواهند بود (اسکندری، ۱۳۸۱: ۶۲).

مصادیق جرایم خاص نظامی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ تعیین شده است که با تأمل در آن مشخص می‌شود برخی از این مصادیق در واقع مصادیقی از جرایم جنگی نیز می‌توانند باشند؛ مانند جرایم برخلاف تکالیف نظامی که هر یک می‌تواند مصداقی از جرایم جنگی باشند. رسیدگی به جرایم پیش‌بینی شده در قانون مذکور، با شرایط یادشده در ماده یک آن قانون در صلاحیت ذاتی محاکم نظامی خواهد بود. درباره سایر جرایمی که در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیامده است، با وجود شرایط ذکرشده، یعنی وجود ارتباط جرم با وظایف خاص نظامی و انتظامی مرتکب جرم، در صلاحیت محاکم نظامی خواهد بود. در این صورت محاکم نظامی طبق قانون مربوط تعیین مجازات خواهند کرد. برای مثال اخاذی، شکنجه و اذیت و آزار اسیران، توقیف غیرقانونی اشخاص و غیره می‌تواند از جرایم نظامی پرسنل نظامی و انتظامی باشد که مصادیقی از جرایم جنگی نیز هستند. در این صورت دادسرا

1 . (1878) 97 U.S. 509, 519.

2 . Code of Military Justice (Code de Justice Militaire), Art. 70.

۳. تبصره ماده ۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح.

و دادگاه نظامی صلاحیت تعقیب و رسیدگی به این جرایم را دارند و مستند آرای محاکم قانون مجازات اسلامی یا سایر قوانین خواهد بود. شایان ذکر است طی اجازه‌ای از مقام معظم رهبری و فرمانده کل نیروهای مسلح در سال ۱۳۷۳ با عنوان «جرایم حین خدمت»، به نوعی جواز رسیدگی به این جرایم نیز به محاکم نظامی داده شده است که نافی صلاحیت محاکم عمومی نخواهد بود (اسکندری، ۱۳۸۱: ۶۳).

بنابراین مشخص است که در حال حاضر در حقوق ایران امکان رسیدگی به عموم مصادیق جرایم جنگی پرسنل نظامی در صلاحیت محاکم نظامی قرار می‌گیرد و در خصوص برخی مصادیق که از نظر قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح جنبه عمومی دارند، محاکم عمومی نیز واجد صلاحیت هستند. با این حال نباید فراموش کرد که جرایم جنگی صرفاً از سوی پرسنل نظامی ارتکاب نمی‌یابند و اسناد بین‌المللی نظامی بودن مرتکب را شرط ارتکاب جرایم جنگی ندانسته است. لذا در خصوص سایر جرایم جنگی که اشخاص غیرنظامی مرتکب می‌شوند صلاحیت ذاتی با محاکم عمومی خواهد بود. البته همان‌طور که قبلاً گفته شد، امکان رسیدگی به تمام مصادیق جرایم جنگی در حقوق فعلی جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد؛ بدان علت که قانون‌گذاری خاص برای آن انجام نگرفته است.

ناگفته نماند مرجع رسیدگی‌کننده به جرایم جنگی باید ظرفیتهایی متفاوت از محاکم عادی داشته باشد. «کارکنان این مراجع باید علاوه بر تصدی تحقیقات درباره جرایم بین‌المللی با دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز در ارتباط باشند. این واقعیت است که نهادهایی که در استرالیا، کانادا و بریتانیا برای رسیدگی به جرایم جنگی تشکیل شدند در تعقیب پرونده‌های جنگ جهانی دوم چندان موفق نبوده‌اند» (شریعت باقری، ۱۳۸۲: ۸۷)؛ بنابراین رسیدگی به جرایم جنگی در محاکم نظامی می‌تواند بهتر این اهداف را محقق کند؛ در حالی که مشاهده شد در حقوق ایران مراجع عمومی نیز برای برخی مصادیق جرایم جنگی صالح هستند.

ب) اصول فقه اسلامی

مفاد ماده ۹ قانون مجازات اسلامی می‌تواند با برخی اصول اسلامی در تضاد باشد. یکی از قواعد اساسی اسلامی «حرمت تولی کفار و دشمنان دین اسلام» است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاِنَّهُ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ»^۱

به همین دلیل از دیدگاه فقه شیعه امامیه، هنگامی که جرمی در صلاحیت محاکم اسلامی قرار می‌گیرد، رسیدگی محاکم دارالحرب باطل و فاقد اثر است (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۲۳۸). در این تحدید صلاحیت، صلاحیت جهانی به نفع دولت‌های بیگانه جایز نخواهد بود و همچنین اصل منع مجازات مضاعف اعمال نخواهد شد.

اما باید میان دو دسته از جرایم تفکیک قائل شد. برخی تعزیرات از احکام سلطانیه هستند که از سوی ولی امر و حاکم مسلمین برای انتظام امور جامعه تعیین می‌شوند و در دایره حق الله نیستند. این موارد می‌تواند در قالب معاهداتی بین دارالاسلام و دولت‌های دارالحرب بیان شود و مشمول اصل صلاحیت جهانی قرار گیرد. جرایم مستلزم تعزیرات حکومتی یا احکام سلطانیه که ذکر آنها رفت، چون حق حکومت اسلامی است و حق تخفیف و عفو آنها وجود دارد و حتی می‌تواند عنوان مجرمانه را از روی عمل بردارد، می‌تواند در قالب قراردادهای بین‌المللی تحت شمول اصل صلاحیت جهانی قرار گیرد. بدین ترتیب هرگاه یکی از رعایای دولت اسلامی در خارج از مرزهای دارالاسلام مرتکب این‌گونه جرایم شد و توسط محاکم محل ارتکاب جرم مورد تعقیب و مجازات قرار گرفت، تعقیب و مجازات مجدد وی در کشور اسلامی را می‌توان ممنوع کرد (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۲۳۸). باید توجه کرد که در این حالت صلاحیت جهانی مطرح نیست، بلکه دولت اسلامی تنها از صلاحیت شخصی خود صرف نظر می‌کند.

استثنای دیگر صلاحیت جهانی در فقه اسلامی جرایم غیرمسلمانان علیه غیرمسلمانان است. اعمال صلاحیت قانونی و قضایی محاکم دارالاسلام درباره برخی جرایم اهل ذمه که مضر به حال امنیت جامعه اسلامی نباشد، مانند کذب ذمی توسط ذمی اختیاری است. بدین ترتیب برای قضات خود آنها نیز امکان رسیدگی وجود دارد. بنابراین رسیدگی به جرایم ذمی‌ها توسط محاکم متعلق به آنها مورد تعقیب مجدد محاکم اسلامی قرار نخواهد گرفت. از این رو پذیرش اعمال صلاحیت جهانی در خصوص جرایم ارتكابی از سوی غیرمسلمین اعم از ذمی و غیرذمی در خارج از مرزهای دارالاسلام ممکن است (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۲۳۹-۲۴۰). از آنجا که جرایم غیرمسلمانان علیه مسلمانان در صلاحیت شخصی محاکم دولت اسلامی قرار می‌گیرد، می‌توان گفت بر این اساس رسیدگی به تمام مصادیق صلاحیت جهانی (که جرایم غیرمسلمان علیه غیرمسلمان است) در محاکم خارجی امکان‌پذیر است.^۱

۱. در برخی موارد صلاحیت شخصی در دولت‌های اسلامی معادل صلاحیت جهانی پنداشته شده است. برای مثال طبق قوانین الجزایر، تعقیب شخصی که بعد از ارتکاب جرم بلافاصله تابعیت الجزایر را کسب کرده، امکان‌پذیر است؛ مشروط به اینکه طبق قانون الجزایر جرم بوده باشد. در برخی موارد دولت‌ها مانند سوریه و تاجیکستان جرایم خارجی‌ان مقیم در کشورشان را جرم‌انگاری کرده‌اند که در واقع شکل دیگری از صلاحیت سرزمینی است (نک: جدلی، ۱۳۸۵: ۸۱۴).



در مقابل برخی معتقدند که اعمال صلاحیت جهانی از سوی محاکم خارجی به طور مطلق مورد پذیرش شرع نیست. در واقع در اعمال صلاحیت جهانی دولت‌های عضو یک کنوانسیون دو تعهد را می‌پذیرند: اول اینکه کشور محل دستگیری، صلاحیت تعقیب، محاکمه و مجازات مجرم را داشته باشد. دوم اینکه کشورها به طور غیرمستقیم می‌پذیرند در برخی موارد از ادعای صلاحیت خود صرف نظر کنند (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۱۹۸). تعهد اول با موازین شرعی مغایرتی ندارد، بلکه مطابقت هم دارد و در راستای رسالت جهانی دین مبین اسلام است؛ زیرا از لحاظ شرعی دین مبین اسلام محدود به مرز خاصی نیست و احکام آن در ارتباط با هر فردی اعم از مسلمان و غیرمسلمان قابل اجراست. درباره مسئله دوم هرچند صرف نظر کردن از صلاحیت در جرایم تعزیری و جرایم مستوجب مجازات‌های بازدارنده مغایرتی با موازین شرعی ندارد، در مورد جرایم مستوجب حدود و قصاص، مشکل مغایرت با موازین شرعی کماکان وجود دارد (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

با این حال می‌توان گفت اعمال صلاحیت جهانی مبتنی بر معاهده بین‌المللی (صلاحیت جهانی بین‌المللی) طبق قاعده مصلحت و وفای به عهد مورد پذیرش دولت اسلامی خواهد بود.^۲ در جمهوری اسلامی ایران تصویب معاهده بین‌المللی توسط مجلس شورای اسلامی و تأیید آن توسط شورای نگهبان که در جریان مصلحت‌سنجی صورت می‌گیرد، موضوع اصل وفای به عهد خواهند بود. از این رو این معاهدات لازم‌الاجرا هستند «از آنجا که مبنای ایجاد صلاحیت معاهده‌های بین‌المللی است که در هر صورت حکومت اسلامی بنا به مصالحی آنها را پذیرفته و به آنها ملحق شده است. در تاریخ اسلام نیز موارد زیادی را می‌توان یافت که پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) به معاهدات خود، حتی با دشمنان عمل کرده‌اند. شاید به همین دلیل شورای نگهبان ماده ۸ قانون مجازات اسلامی (سابق) را از این حیث مغایر موازین شرعی ندانسته است» (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

با این حال این استدلال نمی‌تواند شامل «صلاحیت جهانی غیر بین‌المللی» شود، زیرا اعطای یکجانبه صلاحیت جهانی از سوی دولت اسلامی به دولت خارجی در جرایم مشمول حدود و قصاص و دیات نمی‌تواند در جهت مصلحت‌سنجی توجیه شود؛

۱. به همین دلیل وجه الزامی ماده ۳ قانون مصوب ۱۳۵۲ در قانون ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ زایل شد و کلمه «باید» از قانون حذف شد. این امر قرینه آن است که مقنن صلاحیت جهانی را به طور مطلق قبول ندارد. این استنباط هنگامی مهر تأیید می‌خورد که با مراجعه به آرای فقهی در می‌یابیم که فقهای شیعه اعمال صلاحیت غیرمسلمان را درباره مسلمین نمی‌پذیرند، بلکه به صورت نسبی و مشروط پذیرفته شده است (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۲۴۲).

۲. برای مثال خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثق... فما جعل الله لکم علیهم سبیلاً».

بنابراین از نظر شرعی نامشروع خواهند بود. بر این اساس می‌توان گفت حتی اگر کلیت ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مطابق شرع باشد، بخش مربوط به «قانون خاص» در این ماده وجه شرعی نخواهد داشت.

درباره جرایم جنگی باید به دو نکته توجه کرد: اولاً قانون‌گذاری درباره جرایم جنگی در شرع اسلام ممنوع نیست. نفس قانون‌گذاری در خصوص جرایم جنگی مغایر اصول دینی نیست، بلکه در راستای آموزه‌های دینی است. در واقع «از نظر فقه اسلامی، استفاده از سلاح‌های کور یعنی سلاحی که قادر به تشخیص دشمن نیست و نظامیان و غیرنظامیان را بدون تبعیض می‌کشد یا حتی سبب مرگ زنان و کودکان دشمن می‌شود، مانند سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و هرگونه سلاح وحشیانه و کشتار جمعی ممنوع است. شیوه‌های وحشیانه و ناجوانمردانه نیز منع شده است. بیش از ۲۰ مورد جنایت جنگی را می‌توان نام برد که در فقه اسلامی مورد بحث قرار گرفته است مانند به آب بستن سرزمین دشمن، قطع درختان و تخریب کشتگاه‌ها، به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، کشتن زنان، کودکان، افراد مذهبی و غیرنظامیان، مثله کردن، تاکتیک‌هایی ناجوانمردانه (غدر)، دستبرد به اموال دشمن، شبیخون، آسیب رساندن به چارپایان، جنگ شهرها، استفاده از وسایل کشتار جمعی، کشتن اسرای جنگی، تعرض به نوامیس دشمن، شکنجه اسراء، کشتن مجروحان و کشتن با صیر و... بنابراین جرم‌انگاری جنایات جنگی نه تنها مغایرتی با موازین اسلامی (اصل ۴ قانون اساسی) ندارد، بلکه خود حمایت از ارزش‌های انسانی اعلام‌شده در شریعت اسلام است» (سلیتی، ۱۳۸۹).

ثانیاً اعمال صلاحیت جهانی برای جرایم جنگی در محاکم خارجی لزوماً مانع اعمال صلاحیت جهانی محاکم ایران نخواهد شد؛ بلکه همان‌طور که گفته شد، چنانچه رسیدگی در محاکم خارجی به جرایمی باشد که در ایران در زمره جرایم موضوع قصاص، حدود و دیات باشد یا رسیدگی درباره مجرمی باشد که مسلمان است، صلاحیت محاکم ایران طبق اصول اسلامی پابرجا خواهد بود. به عبارت دیگر، اصل منع مجازات مضاعف در اعمال صلاحیت جهانی در صورتی وجود خواهد داشت که اولاً از جرایم متضمن تعزیر باشد؛ ثانیاً از جمله جرایم میان غیرمسلمانان با غیرمسلمانان باشد.



۴. رسیدگی به جرایم جنگی سران رژیم صهیونیستی در حقوق ایران

در سال‌های اخیر اراده‌ای در کشور برای محاکمه مرتکبین جرایم جنگی در سرزمین‌های اشغالی مشاهده می‌شود که ضمن بررسی پیشینه آن به ارزیابی اقدامات حقوقی پرداخته خواهد شد.

الف) پیشینه دو طرح اعمال صلاحیت جهانی برای جرایم جنگی سران رژیم صهیونیستی حمایت از مستضعفین جهان به ویژه مردم فلسطین و اجرای عدالت برای آنها از اهداف جمهوری اسلامی ایران است که فحوای آن دست‌کم در دو اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود. اصل یکصد و پنجاه و دوم بیان می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب استوار است» و اصل یکصد و پنجاه و چهارم بیان می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». اعمال صلاحیت جهانی بر مرتکبین جرایم بین‌المللی علیه مردم سرزمین‌های اشغالی مصداق «دفاع از حقوق همه مسلمانان» و «حکومت حق و عدل برای همه مردم جهان» است. بر این اساس مجلس شورای اسلامی مبتکر دو طرح بوده است که بستر لازم را برای طرح صلاحیت جهانی برای جرایم جنگی سران رژیم صهیونیستی فراهم کرد.

– طرح «نحوه رسیدگی به شکایات نسل‌کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی» طرح «تشکیل دادگاه رسیدگی به جرایم جنایتکاران جنگی» که بعداً به طرح «نحوه رسیدگی به شکایات جنایات جنگی، کشتار جمعی و تعدیات ناشی از رژیم‌های نژادپرست و ضدبشری» و بعداً به طرح «نحوه رسیدگی به شکایات نسل‌کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از رژیم‌های نژادپرستی» و بعداً به طرح «نحوه رسیدگی به شکایات نسل‌کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی» تغییر نام یافت، از سوی ۲۵ نفر از نمایندگان مجلس مطرح شد. این طرح شامل ۹ ماده و دو تبصره بود



که در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۳۸۱/۲/۲۹ در مجلس شورای اسلامی مطرح و پس از مختصر مذاکره و رأی‌گیری به لحاظ عدم شناخت و درک کافی از مفهوم و آثار این طرح، مواد ۵ و ۹ (مربوط به جنایات جنگی) آن حذف و بقیه طرح در ۷ ماده و دو تبصره به تصویب رسید. طرح مصوب در جلسه ۸۱/۳/۲۲ شورای نگهبان مطرح اما مورد تأیید این شورا قرار نگرفت. ایراد شورای نگهبان این بود که «مواد ۳ و ۴ از جهات متعدد از جمله آیا [مصادیق مذکور در طرح] جنبه حصری دارد یا خیر و آیا شامل گروه‌های غیرقانونی می‌شود یا خیر ابهام دارد. پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد» (نقل از: حجت‌زاده و درجی، ۱۳۹۱: ۱۴۵). با تصویب مجدد این طرح در جلسه ۸۱/۵/۱۳ و اصرار مجلس بر مصوبه خود، طرح مذکور برای تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت فرستاده شد. در صورت تأیید نهایی این قانون، حداقل دو جنایت نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران قرار می‌گرفت و این مصداق عبارت «قانون خاص» مذکور در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی بود (نقل از: حجت‌زاده و درجی، ۱۳۹۱: ۱۴۵). اما در نهایت به دلایل نامعلومی این طرح از مجمع تشخیص مصلحت نظام پس گرفته شد و روند تصویب آن متوقف گردید (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۰).

– طرح «الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین»

اقدام مهم دیگر ایران درباره صلاحیت جهانی در سال‌های اخیر تصویب یک قانون در خصوص جنایات بین‌المللی رژیم اشغالگر قدس است. پیرو جنایات رژیم غاصب اسرائیل در ناحیه غزه، مجلس شورای اسلامی ایران قانون «الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین» را در ۱۳۸۷/۱۰/۱۱ به تصویب رساند. مطابق ماده ۳ این قانون «براساس قواعد حقوق بین‌الملل، جنایات انجام‌شده در غزه، از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی است. دولت موظف است از طریق مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، موضوع محاکمه سران رژیم اشغالگر قدس را در دادگاه دیوان کیفری بین‌المللی و محاکم داخلی کشور به عنوان جنایتکار علیه بشریت و عاملان نسل‌کشی پیگیری کند». طبق ماده ۶ این قانون «وزارت امور خارجه مکلف است گزارش اجرای این قانون را هر دو هفته یک بار به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید».



ب) ارزیابی دو طرح اعمال صلاحیت جهانی برای جرایم جنگی سران رژیم صهیونیستی
ارزیابی نقاط ضعف و قوت این دو طرح می‌تواند در اجرای بهتر صلاحیت جهانی در
جرایم جنگی در حقوق ایران مفید باشد.

- ارزیابی طرح «نحوه رسیدگی به شکایات نسل‌کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی»
با مطالعه متن پیش‌نویس قانون و مذاکرات مربوط به تصویب این قانون نکاتی به دست
می‌آید که به آنها اشاره می‌شود:

- پیش فرض رئیس کمیسیون قضایی مجلس بر این بوده است که صلاحیت
جهانی در جرایم جنگی از جمله قواعد حقوق بین‌الملل عرفی است. همان‌طور که بیان
شد، آنچه عرفی شده صلاحیت جهانی اختیاری درباره نقض فاحش کنوانسیون‌های
ژنو است نه صلاحیت جهانی الزامی (Maison, 1995: 265; Quoted from Bottini, 2004: 533).
با این حال درباره دولت‌های عضو کنوانسیون ژنو این صلاحیت الزامی
است که خوب بود این نکته از سوی کمیسیون مطرح می‌شد.

- در حالی که مخبر کمیسیون در ارائه طرح تأکید می‌کند که هدف از طرح
پیشنهادی تهیه «امکانات و تدابیر لازم به منظور پذیرش دعوای قربانیان جنایات
جنایتکاران جنگی و تعقیب و محاکمه مجازات این مجرمین» است، در نهایت شاهد
هستیم که جرایم جنگی از شمول این طرح خارج و به جرایم علیه بشریت و نسل‌کشی
محدود می‌شود.

- یکی از ویژگی‌های این طرح استفاده از عبارت «تعدیات ناشی از رژیم‌های
نژادپرستی» یا «تعدیات ناشی از نژادپرستی» است. هرچند در جریان مذاکرات منظور
از این عبارت مشخص نمی‌شود، احتمال می‌رود که منظور سایر جرایمی باشد که
در شمول جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و نسل‌کشی نمی‌گنجد؛ در حالی که در
محاکم ملی خارجی قابل تعقیب است. برای مثال تبعیض نژادی در مقوله آموزش،
موضوعی است که در قلمرو هیچ‌یک از سه جنایت بین‌المللی نیست؛ با این حال
نمایندگان خواسته‌اند امکان طرح این‌گونه تخلفات در محاکم ملی نیز میسر باشد.

- در ماده ۱ این طرح تأکید شده است که «به قوه قضاییه اجازه داده می‌شود»؛ در
حالی که طبق تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، محاکم ملی موظف هستند
جرایم جنگی متهمی را که در کشور حضور دارد، مورد جست‌وجو و تعقیب قرار دهند.



شاید تصور شود الزام نداشتن قوه قضاییه مغایر تعهدات بین‌المللی ایران باشد، اما اگر دقت کنیم که هدف از این طرح صرفاً تحت تعقیب قرار دادن سران رژیم صهیونیستی بوده است، این تجویز نمی‌تواند مغایر تعهدات بین‌المللی ایران تلقی شود.

- طرح «نحوه رسیدگی به شکایات نسل‌کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی» به قوه قضاییه اجازه داده است تا شعبه یا شعبی از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به شکایات مربوط به جنایات جنگی تشکیل دهد. همان‌طور که بیان شد، رسیدگی به جرایم جنگی در دادگاه‌های عمومی و نظامی امکان‌پذیر است، اما این ظرفیت منافاتی با تشکیل شعبه‌ای ویژه برای جرایم بین‌المللی نخواهد داشت بلکه چه بسا در کارآمدی قوه قضاییه مؤثر خواهد بود. این نقطه قوتی در این طرح محسوب می‌شود.

- تبصره ۲ ماده ۱ طرح به امکان محاکمه متهمان حتی بدون حضور آنان در دادگاه اشاره دارد. هرچند این بند مغایر ماده ۸ قانون مجازات اسلامی سابق است که مقرر کرده بود رسیدگی و محاکمه متهم منوط به دستگیری وی است، اما مغایرتی با ماده ۹ قانون جدید مجازات اسلامی ندارد. ماده ۹ رسیدگی و محاکمه متهم را مشروط به حضور متهم در کشور دانسته است؛ بنابراین حضور نداشتن وی در دادگاه ممکن است موجب رسیدگی غیابی شود. این نکته حکایت از توجه کمیسیون قضایی مجلس به قانون جدید مجازات اسلامی دارد.

- تدوین ماده ۵ طرح در ارتباط با جرایم جنگی با نیم‌نگاهی به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری صورت گرفته است. در این ماده به دو شرط مذکور در اساسنامه یعنی ارتکاب در قالب «برنامه یا سیاست عمومی» و «گسترده» اشاره شده است؛ با این حال لزومی برای درج این شروط نبود؛ زیرا اولاً کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تنها به شرط «فاحش بودن» جرم اشاره کرده‌اند. ثانیاً این شروط برای اعمال صلاحیت بین‌المللی از سوی دیوان بین‌المللی کیفری و نه صلاحیت جهانی از سوی محاکم ملی بیان شده‌اند.

- کمیسیون قضایی در ذکر مصادیق جرایم جنگی در این طرح همچنین از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری الهام گرفته است که فهرست نسبتاً کاملی از جرایم جنگی فراهم کرده است. با این حال به مواردی مانند حمله به آثار فرهنگی و معنوی مردم که در پروتکل اول الحاقی قید شده، اشاره‌ای نشده است.

- یکی از جالب‌ترین اتفاقات در جریان مذاکرات مربوط به این طرح، نگرانی نایب



رئیس مجلس از تعمیم جرایم جنگی به اتباع دولت ایران بود. وی بیان می‌کند: «اینها فقط درباره اتباع کشورهای خارجی است؛ یعنی در کشور خودمان هم می‌شود به عنوان جنایت جنگی محسوب شود؟». طرح این نگرانی از آنجا ناشی می‌شود که در بند بعد برای مرتکبان جرایم جنگی مجازات اعدام در نظر گرفته شده بود. ایشان بیان می‌دارد: «آیا اگر در داخل کشور هم نسبت به مردم این رفتار شود، به عنوان جنایات جنگی که مجازاتش را در بند بعدی اعدام گذاشته‌اید، افراد باید محاکمه شوند یا نه؟». هرچند به دلیل این نگرانی نمایندگان مجلس رأی به حذف این ماده (جرایم جنگی) می‌دهند و هدف اصلی طرح که مجازات سران رژیم صهیونیستی به دلیل جرایم جنگی بود ناکام می‌ماند، اما باید توجه کرد که نگرانی طرح شده آن گونه که به نظر می‌رسد منطقی نیست. اول اینکه جرایم جنگی صرفاً در مخاصمات مسلحانه موضوعیت دارد که هر درگیری داخلی نمی‌تواند مصداق مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی باشد. دوم اینکه شروع به رسیدگی به جرایم سران و فرماندهان مرتکب جرایم جنگی در اختیار دادگاه است و الزامی در شروع رسیدگی نیست. سوم اینکه بسیاری از این جرایم طبق عناوین مجرمانه سابق قابل پیگرد بوده است که مجازات برخی (مانند حمله به غیرنظامیان به عنوان قتل و دستور به اینکه هیچ‌کس زنده نماند به عنوان مفسد فی الارض) قصاص و اعدام است. چهارم اینکه این نگرانی برای جرایم علیه بشریت و نسل‌کشی نیز وجود دارد؛ بنابراین حذف جرایم جنگی از این طرح و محدود شدن آن به جرایم علیه بشریت و نسل‌کشی پشتوانه منطقی صحیحی ندارد.

- با تصویب ماده ۶ طرح، مجلس نشان داد که تمایلی به قانون‌گذاری واقعی برای جرایم بین‌المللی ندارد. هرچند در متن اصلی ماده ۶ مجازات اعدام برای مجرمین در نظر گرفته شده بود، اما با اصلاح این ماده قرار شد مجازات مجرمین طبق قانون مجازات اسلامی تعیین شود. این تغییر نشان می‌دهد که طرح با فلسفه صلاحیت جهانی تعارض دارد؛ چه آنکه اگر قرار بود عنوان مجرمانه جرایم بین‌المللی قبلاً در قانون مجازات اسلامی بیان شده باشد، نیازی به تصویب مجدد چنین قانونی نبود (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۱).

- ماده ۸ چنین بیان می‌داشت: «اعمال مجازات حبس در هیچ موردی نمی‌تواند با استفاده از کیفیات مخففه به کمتر از حداقل مجازات قانونی تقلیل یابد». اما بعد از کش و قوس فراوان دقیقاً وجه مخالف این ماده به تصویب رسید و مقرر شد «استفاده از کیفیات مخففه در خصوص جرایم مقرر در این قانون وفق مقررات امکان‌پذیر



می‌باشد». این در حالی است که ویژگی خاص جرایم بین‌المللی اقتضا می‌کند تا تخفیف به حداقل ممکن برسد. با این حال دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در مواردی چون امر آمر قانونی قائل به تخفیف مجازات بود.

- یکی از ایرادهای شورای نگهبان این بود که مشخص نیست این قانون شامل گروه‌های غیرقانونی می‌شود یا خیر؟ همان‌طور که مجلس شورای اسلامی بر مواد قبلی پافشاری کرد، محدود کردن این قانون به گروه‌های قانونی آن را از موضوعیت خارج می‌سازد و چنین شرطی در رویه ملی و بین‌المللی مشاهده نشده است.

- شایان ذکر است که در خصوص صلاحیت قانونی و قضایی دولت اشغالگر در سرزمین‌های اشغالی مباحثی از سوی حقوق‌دانان مطرح شده و در مواردی رسیدگی به جرایم جنگی در سرزمین‌های اشغالی منحصر در محاکم ملی دولت اشغالگر شده است. «هرگاه جرایم ارتكابی در سرزمین‌های اشغال‌شده متضمن صدمه و آسیب برای قوای اشغالگر باشد، در این صورت محاکم ارتش اشغال‌کننده صلاحیت رسیدگی خواهند داشت؛ در غیر این صورت یعنی در صورتی که جرم متضمن صدمه و آسیب برای کشور اشغال شده باشد، محاکم کشور مذکور برای رسیدگی صالح خواهند بود» (واحدی، ۱۳۸۰: ۷۰). در این باره موضوع درخواست استرداد مجرمین از کشورهای ثالث از سوی دولت ایران و رژیم صهیونیستی اهمیت می‌یابد که در این موارد ممکن است به این‌گونه دکترین‌ها یا رویه‌ها استناد شود. بنابراین توسعه موافقت‌نامه‌های استرداد میان ایران و سایر کشورها می‌تواند در کارآمدی قوانین صلاحیت جهانی مفید باشد.

- هرچند مصادیق مذکور در این طرح متکی بر مصادیق نقض فاحش در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است، اما جرایمی وجود دارند که عموماً در سرزمین‌های اشغالی ارتکاب می‌یابند؛ در حالی که در زمره نقض‌های فاحش محسوب نشده‌اند. برای مثال می‌توان به تحمیل مالیات جنگی و توقیف دسته‌جمعی اشاره کرد (واحدی، ۱۳۸۰: ۲۸). از آنجا که هدف مهم قانون‌گذار تعقیب سران و فرماندهان رژیم صهیونیستی است، قانون‌گذار ملی می‌تواند این موارد را من باب «صلاحیت جهانی غیربین‌المللی» به طور یکجانبه وارد فهرست جرایم جنگی کند.



– ارزیابی قانون «الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین»

با مطالعه مفاد این قانون می‌توان نکاتی را استخراج کرد که به آنها اشاره می‌شود:

– این قانون نیز با هدف محاکمه سران رژیم صهیونیستی به اتهام جرایم جنگی و نسل‌کشی مطرح شد و همان‌طور که آقای جلالی، نماینده شاهرود، مطرح کرد، برای این وظیفه لازم است جمهوری اسلامی ایران پیش‌قدم شود. به عبارت ساده‌تر این طرح با هدف اعمال صلاحیت جهانی علیه سران رژیم صهیونیستی در محاکم ایران تدوین شد.

– برخلاف رویه قانون‌گذاری، در ماده ۳ این قانون تأکید شده است که جنایات انجام‌شده در غزه از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی است؛ در حالی که تعیین این موضوع در صلاحیت مرجع قضایی است. بر این اساس پیگیری قوه قضاییه برای محاکمه سران رژیم صهیونیستی نمی‌تواند به معنای ارزیابی جنایت بودن یا نبودن این اقدامات باشد، بلکه وظیفه قوه قضاییه به تعیین میزان مجازات و اجرای آن محدود می‌شود.

– ماده ۳ دولت را ملزم به همکاری با دیوان بین‌المللی کیفری کرده است،^۱ در حالی که هنوز اساسنامه این دیوان به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. اگر این همکاری محدود به همکاری در تأمین دلایل و شهود و استرداد باشد، می‌توان این قانون را مفید ارزیابی کرد. اما از آنجا که هنوز رژیم صهیونیستی یا فلسطین عضو دیوان بین‌المللی کیفری نشده‌اند، طرح موضوع فلسطین در دیوان عملاً منتفی است.

– موضوع تعهد دولت به پیگیری محاکمه سران رژیم مذکور از طریق محاکم کیفری داخلی ایران بدون در نظر گرفتن اقتضائات مصونیت سران کشورها و دولت‌هاست. نقض این اصل می‌تواند ماجرابی مشابه قضیه قرار بازداشت در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه ایران به دنبال داشته باشد که در آن قضیه بلژیک محکوم به نقض اصل مصونیت دولتی شد. مناسب بود در این قانون در کنار عبارت سران رژیم صهیونیستی از عبارت «و فرماندهان نظامی و غیرنظامی» استفاده می‌شد تا شامل افرادی شود که مصونیت شامل حال آنها نمی‌شود.

– از سوی دیگر ماده ۳ این قانون لفظ «پیگیری» را به کار برده که دارای ابهام است و دقیقاً معنای تعقیب کیفری را نمی‌توان معادل آن دانست. در واقع این مفهوم یک تعهد به فعل برای دولت قرار داده است که ممکن است هیچ‌گاه نتیجه‌ای نداشته باشد.

۱. ماده ۳ مقرر می‌دارد: «براساس قواعد حقوق بین‌الملل، جنایات انجام‌شده در غزه، از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی است. دولت موظف است از طریق مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، موضوع محاکمه سران رژیم اشغالگر قدس را در دادگاه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و محاکم داخلی کشور به عنوان جنایتکار علیه بشریت و عاملان نسل‌کشی پیگیری کند».



- همچنین باید توجه کرد که محاکم داخلی ایران به موجب ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، اعمال صلاحیت جهانی را موقوف به حضور متهم در ایران کرده است. با این وصف امکان محاکمه غیابی در این خصوص منتفی است. تنها می‌توان نسبت به شروع تعقیب کیفری و تشکیل پرونده و جمع‌آوری ادله اقدام کرد (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۲۴۷)؛ در حالی که این قانون بدون توجه به حضور متهم در کشور، دولت را مکلف به پیگیری کرده که ممکن است ناقض ماده ۹ قانون مجازات اسلامی باشد (حجت‌زاده و درجی، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

- به نظر می‌رسد بهتر بود به نقش قوه قضاییه در کنار دولت در ماده ۳ توجه می‌شد. از آنجا که بهترین روش برای طرح جنایات رژیم صهیونیستی در محاکم ملی اعمال صلاحیت جهانی است، قوه قضاییه به طور کل و دادستان به طور خاص نقش مهمی در اعمال این صلاحیت دارد. در پایان به مجموعه دلایلی اشاره می‌شود که ضرورت توصیف عنوان مجرمانه جرایم جنگی در حقوق ایران را لازم می‌دارد:

۱. الزام کنوانسیون‌های ژنو به جرم‌انگاری جرایم جنگی در قوانین ملی؛
۲. عدم تعیین میزان مجازات و ضمانت اجرا در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو؛
۳. تعهد به همکاری با دیوان طبق اساسنامه دیوان یا بر اساس قطعنامه احتمالی شورای امنیت برای ارجاع یک قضیه مربوط به جرایم جنگی به دیوان بین‌المللی کیفری که نیازمند بستر قانونی است.
۴. اعمال حق اولویت در چارچوب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که مستلزم آن است که جنایات مشمول صلاحیت دیوان از جمله جرایم جنگی در قوانین داخلی کشور گنجانده شده باشد تا محاکم ملی بتوانند طبق قوانین متبوع خود به آن رسیدگی کنند؛ زیرا قاضی فقط به قانون جزای کشور متبوع خود می‌تواند استناد کند. حتی اگر کشور ما قصد پیوستن به اساسنامه رم و قبول صلاحیت دیوان را ندارد، این قانون‌گذاری ضروری است؛ زیرا با توجه به مواد ۱۲ و ۳۱ اساسنامه در صورتی که یک ایرانی متهم به ارتکاب جنایت بین‌المللی در قلمرو یکی از دولت‌های عضو اساسنامه شود، به‌رغم عضویت نداشتن ایران در اساسنامه و تنها به اعتبار عضویت کشور محل وقوع جنایت در آن، دیوان صلاحیت محاکمه تبعه ایران را خواهد یافت؛ زیرا عضویت کشور محل وقوع جرم یا کشور متبوع متهم در اساسنامه برای اعمال صلاحیت دیوان کافی است. همچنین اگر شورای امنیت در اجرای فصل هفتم منشور ملل متحد،



وضعیتی را به دیوان ارجاع کند که متهم آن ایرانی باشد، دیوان صلاحیت رسیدگی خواهد یافت؛ زیرا در این حالت رضایت دولت اهمیتی ندارد (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۷). بنابراین اگرچه اساسنامه رم به صراحت به کشورها تکلیف نمی‌کند که جنایات مندرج در آن را در قوانین داخلی خود بگنجانند، اما سازوکار شروع به رسیدگی دیوان برای همه کشورها یک پیام دارد و آن اینکه اگر آنها بخواهند حاکمیت ملی خود را اعمال کنند، باید جنایات بین‌المللی مندرج در اساسنامه را در قوانین خود بگنجانند و قبل از دخالت دیوان، رأساً شروع به رسیدگی کنند (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۸).

۵. عدم کفایت عناوین مجرمانه موجود در قوانین کیفری؛ برخی معتقدند جنایات بین‌المللی مندرج در اساسنامه از جمله جرایم جنگی جرم جدید نیستند، بلکه همان جرایم موجود در نظام‌های کیفری داخلی‌اند که قبلاً در قوانین ملی کشورها پیش‌بینی شده و محاکم ملی صلاحیت رسیدگی به آنها را کسب کرده‌اند (میرحجازی، به نقل از: آل حبیب، ۱۳۷۸: ۹۸). اما اولاً تمام مصادیق جرایم جنگی در قوانین نیامده‌اند یا شامل عناوین مجرمانه متعدد می‌شوند. ثانیاً عناوین مجرمانه‌ای که در قوانین داخلی آمده فقط به عنوان یک جرم عادی مطرح است نه جنایتی بین‌المللی (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۸)؛ بنابراین این اعتقاد وجود دارد که قاعده منع مجازات مضاعف در ارتباط با جرایم بین‌المللی که به عنوان جرایم عادی رسیدگی شده‌اند، اعمال نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

اعمال صلاحیت جهانی در جرایم جنگی از تعهدات بین‌المللی دولت ایران است، زیرا کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ایران را ملزم به اعمال صلاحیت جهانی در جرایم جنگی می‌کنند؛ از این رو عدم قانون‌گذاری و اعمال صلاحیت از سوی دولت ایران در مواردی که این امکان برای آن فراهم است از نظر حقوق بین‌الملل می‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت را همراه داشته باشد. از منظر فقه اسلامی، قانون‌گذاری در خصوص جرایم جنگی بلامانع است، اما اعمال صلاحیت جهانی در قلمرو جرایم موضوع حدود، قصاص و دیات وجه شرعی ندارد. لذا محدوده مجاز جرایمی است که مستوجب تعزیر باشند. طرح «نحوه رسیدگی به شکایات نسل‌کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی» در مجلس شورای اسلامی ایران که با هدف اعمال صلاحیت جهانی در جرایم بین‌المللی از جمله جرایم جنگی مطرح شد، در ماده ۵ مصادیق مذکور در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را بیان کرد. با این حال تعیین مصادیق جرایم

جنگی در قوانین داخلی برای اعمال صلاحیت جهانی کفایت نمی‌کند، بلکه بخش مهمی از روند قانون‌گذاری «مجازات‌انگاری» برای جرایم جنگی است. از آنجا که اسناد بین‌المللی مجازات جرایم جنگی را مشخص نکرده‌اند، بر دولت است که این اقدام را انجام دهد. از سوی دیگر ارجاع این موضوع به قانون مجازات اسلامی نیز سالبه به انتفاع موضوع است؛ زیرا اگر تمام مصادیق جرایم جنگی قبلاً در قانون مجازات اسلامی قانون‌گذاری شده بود، نیازی به تصویب قانون مستقل نبود.

هرچند حذف ماده ۵ از طرح مذکور در پی یک سوءتفاهم در مجلس شورای اسلامی صورت گرفت، باید توجه کرد که وجود قانون مشخص در این زمینه در حقوق ایران می‌تواند به اقتدار حقوقی در مواجهه با سوءاستفاده‌های احتمالی محاکم ملی خارجی از اصل صلاحیت جهانی تلقی شود. به عبارت دیگر محاکم ملی در صورتی می‌توانند اتباع ایرانی متهم به جرایم جنگی را به کشور مرجوع و طبق سازوکارهای خود محاکمه کنند که مبانی لازم برای طرح درخواست استرداد وجود داشته باشد تا دولت محل حضور متهم طبق قاعده مسترد بدار یا محاکمه کن ملزم به استرداد متهم به ایران باشد. هرچند تصور می‌شود صلاحیت جهانی در جرایم بین‌المللی از جمله جرایم جنگی شمشیر دولبه‌ای است که می‌تواند سران دولت را نیز نشانه بگیرد، اما با اختیاری کردن این صلاحیت در محاکم ملی یا اعطای مصونیت به آنها می‌توان به این نگرانی پایان داد. ضمن آنکه راه اعطای عفو به مجرمین جنگی در موارد مقتضی مسدود نشده است. با این حال اختیاری کردن صلاحیت جهانی در جرایم جنگی برای محاکم ملی مغایر تعهدات ایران طبق کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو خواهد بود.

بررسی نقاط ضعف و قوت قوانین موجود در ارتباط با صلاحیت جهانی در جرایم جنگی می‌تواند مسیر پیش روی مجلس شورای اسلامی و محاکم ملی را در آینده روشن‌تر کند. هرچند دولت نیز نقش مهمی در تکمیل فرایند اعمال صلاحیت بر مجرمین جنگی دارد و می‌تواند از طریق اجرای تعهدات مربوط به استرداد مجرمین و معاضدت قضایی نقش‌آفرینی کند، بار اصلی این تعهد بر دوش مجلس شورای اسلامی است تا با مجازات‌انگاری مناسب محاکم ملی را در این زمینه قادر سازد. عضویت جمهوری اسلامی ایران در دیوان بین‌المللی کیفری نیز نقطه تحولی در موضوع صلاحیت جهانی در جرایم جنگی خواهد بود. از آنجا که اصل صلاحیت تکمیلی در دیوان بین‌المللی کیفری فرصت مناسبی است تا با وضع قانون مناسب تا جایی که امکان دارد ابتکار عمل در دست محاکم ملی باقی بماند.



منابع فارسی

- آزمایش، سید علی (۱۳۵۶)، «زمینه‌های حقوق جزای بین‌الملل در قانون‌گذاری ایران»، مجله حقوق تطبیقی، ش ۳.
- اردبیلی محمدعلی، محمدباقر حبیب زاده و فخرناب حسین (۱۳۸۵)، «نسل‌کشی و ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، ش ۳.
- اسکندری، محمدرضا (۱۳۸۱)، «سیر تحول صلاحیت دادگاه‌های نظامی از سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۷۳ در ایران»، دادرسی، ش ۳۱.
- آل حبیب، اسحاق (۱۳۷۸)، دیوان کیفری بین‌المللی در یک نگاه: ضرورت‌ها و نگرانی‌ها: دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۱)، حقوق جزای بین‌الملل، تهران: نشر جنگل.
- جدلی، صفی ناز (۱۳۸۵)، «صلاحیت جهانی و لزوم بررسی دیدگاه جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست خارجی، ش ۴.
- حجت‌زاده، علیرضا و حسین درجی (۱۳۹۱)، «اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه بررسی‌های حقوق بین‌الملل، ش ۱.
- خبیری کابک و صفی ناز جدلی (۱۳۸۹)، «صلاحیت جهانی و کارایی آن در مبارزه و پیگیری جرایم بین‌المللی»، فصلنامه راهبرد، س ۱۹.
- سلیتی، رحیم (۱۳۸۹)، «ضرورت جرم‌انگاری جنایات جنگی در قوانین کیفری ایران»، سازمان قضایی نیروهای مسلح، از: http://www.imj.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=1362%3A1389-02-26-10-29-44&catid=57%3A1388-08-19-07-45-26&Itemid=402
- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۸۲)، «اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرایم سنگین بشری»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۲۸.
- مؤمنی، مهدی (۱۳۹۱)، مبانی حقوق جزای بین‌الملل ایران، چ ۸، تهران: نشر شهر دانش.
- واحدی، قدرت الله (۱۳۸۰)، مبحثی از حقوق جزایی بین‌المللی: رسیدگی به جرایم ارتكابی در سرزمین‌های اشغال‌شده، نشر میزان.

منابع لاتین

- Baker, Roozbeh (Rudy) B, (2009), "Universal Jurisdiction and the Case of Belgium: A Critical Assessment", *ILSA Journal of International and Comparative Law*, Vol. 16, No. 1.
- Bottini, Gabriel (2004), "Universal Jurisdiction After The Creation of



The International Criminal Court”, *International Law and Politics*, Vol. 36.

- Colangelo, Anthony J. (2005),”The Legal Limits of Universal Jurisdiction”,*Virginia Journal of International Law*, Vol. 47, No. 1
- Elst, Richard van (2000),”Implementing Universal Jurisdiction over Grave Breaches of the Geneva Conventions”, *Leiden Journal International law*, No. 13.
- ICJ Rep., Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), 2000
- Rabinovitch, Ryan (2004),”Universal Jurisdiction In Abstentia”, *Fordham International Law Journal*, Vol.28, Issue 2.
- United States v.Gurley (1864) 7 J. A. G. Record Book 360, 365.

